

بررسی ارتباط بین عوامل اجتماعی با نابرابری‌های اجتماعی

رسول ربانی*، صمد کلانتری**، علی هاشمیان فر***

طرح مسئله: نابرابری‌های اجتماعی و استمرار فاصله طبقاتی یکی از معضلات جوامع بشری است، چنانچه فاصله طبقاتی همراه با بی‌عدالتی، استمرار و عمق نابرابری‌ها را به صورت یک مسئله مزمن و مهم اجتماعی در می‌آورد. برای تبیین موضوع، این مطالعه به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر نابرابری‌های اجتماعی از منظری جدید، سرمایه اجتماعی را به عنوان متغیر مستقل در کنار دیگر عوامل مطرح کرده است.

روش: مقاله و تحقیق حاضر از نظر کنترل شرایط پژوهش یک مطالعه پیمایشی، هم‌چنین یک تحقیق تبیینی است. جامعه آماری بررسی حاضر کلیه شهروندان ۱۵ ساله و بالاتر ساکن شهر اصفهان در زمان مطالعه بوده و حجم نمونه آن ۶۹۶ نفر می‌باشد. اطلاعات موردنیاز با ابزار پرسش‌نامه جمع‌آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته‌اند. برای تحلیل داده‌ها از رگرسیون چندمتغیره و مدل‌سازی معادلات ساختاری استفاده شده است.

یافته‌ها: یافته‌های به دست آمده در مجموع حاکی از حد متوسط بودن نابرابری اجتماعی در بین کل پاسخ‌گویان (۲/۷) و متوسط بودن سرمایه اجتماعی در بین آن‌ها (۲/۹) می‌باشد.

نتایج: نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که برحسب ارزش بتا (*Beta*) به ترتیب متغیرهای تجمل‌گرایی، سن، تحصیلات، عقلانیت، تبلیغات و ارضاء نیاز در تبیین نابرابری اجتماعی مؤثرند. همچنین نتایج بیان‌گر آنست که هر چه سرمایه اجتماعی بالاتر باشد، نابرابری اجتماعی کاهش خواهد یافت.

کلید واژه‌ها: اعتماد اجتماعی، برابری، سرمایه اجتماعی، شبکه روابط اجتماعی،

مشارکت اجتماعی، نابرابری اجتماعی

تاریخ دریافت: ۸۷/۰۲/۰۹ تاریخ پذیرش: ۸۹/۰۶/۰۱

* دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه اصفهان

** دکتر جامعه‌شناس، دانشگاه اصفهان

*** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، اصفهان <seyedalhashemian@yahoo.com>

مقدمه و طرح مسئله

نابرابری یکی از جنبه‌های عمومی و همیشگی جوامع انسانی است. تمایزهای فردی از قبیل توانایی‌های ذاتی، انگیزشی و تمایلات گوناگون افراد و تفاوت‌های اجتماعی از جمله متفاوت بودن شیوه زندگی، حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها و امتیازهایی که جامعه برای افراد قائل می‌شود و به صورتی نهادی درمی‌آیند، موجب بروز نابرابری‌اند. در تمامی اندیشه‌های اجتماعی و سیاسی بر اهمیت برابری به منزله یک حق تأکید می‌شود، هرچند چنین تأکیدی به دلیل فقدان ضمانت اجرایی، کاربرد چندانی ندارد. بر این اساس، برخلاف آرمان‌ها و آرزوهای مکاتب و اندیشه‌های برابری خواه، نابرابری همواره واقعیتی آزار دهنده بوده است به ویژه هنگامی که نابرابری با کاهش قدرت خرید مردم همراه باشد، کلیت نظام اجتماعی را به چالش می‌گیرد و خطر شورش‌ها، بحران‌ها و اضمحلال نظام را در بردارد و این در حالی است که همه فرهنگ‌ها درصدد توجیه، مشروع‌سازی و یا دست کم تبیین هنجاری آن برآمده‌اند. از دسته عواملی که در جهت توجیه و مشروع‌سازی نابرابری‌ها بر آمده است نگرش افراد جامعه و ذهنیت آن‌ها نسبت به امکانات و امتیازات و فرصت‌هایی است که عده‌ای باید دارا باشند و عده‌ای حقی نسبت به آن‌ها ندارند. با وجود دیدگاه‌های گوناگون ارائه شده توسط اندیشمندان در این زمینه، این تحقیق به گونه‌ای متفاوت به نابرابری‌های اجتماعی پرداخته است. در واقع رفتارهای اجتماعی انسان‌ها که ایجادکننده نابرابری‌هاست مورد توجه قرار گرفته است و از همین رهگذر مفهوم سرمایه اجتماعی در کنار سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی برای تبیین نابرابری‌های اجتماعی مطرح گردیده است. مفهومی که شامل نهادها، شبکه روابط، نگرش‌ها و ارزش‌هایی است که تعاملات مردم را هدایت می‌کند (توسلی، ۱۳۷۴). به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی یک شاخص ترکیبی است که شامل: میزان اعتماد فرد به دیگران، میزان تعامل اجتماعی فرد، میزان مشارکت اجتماعی فرد، میزان رعایت هنجارها و ارزش‌های اجتماعی فرد در یک گروه، سازمان و یا جامعه می‌باشد. در این راستا شناسایی و تقویت سرمایه اجتماعی سبب

افزایش سطح همکاری اعضاء در گروه‌های اجتماعی و جامعه می‌شود و از این طریق منجر به افزایش سطح ارتباطات، نظارت و کنترل در سطح نهادهای عمومی اجتماعی می‌گردد، در نتیجه فاصله اجتماعی کاهش یافته و روابط افقی زیادگشته، از نابرابری در توزیع فرصت‌ها می‌کاهد. هم‌چنین افزایش سرمایه اجتماعی باعث هدایت بهتر مدیران در اداره سیستم‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مختلف به ویژه نهادهای اجتماعی و فرهنگی شده و عامل تقلیل سیاست‌گذاری‌های نابرابرانه می‌گردد. از طرف دیگر با توجه به شعار عدالت محوری و حذف نابرابری‌های اجتماعی در برنامه‌ریزی‌های دولت حتی اگر از بین دو نوع سیستم اقتصادی اقتصاد بازار و اقتصاد عدالت محور، به سمت اقتصاد بازار هم برویم تا پس از یک دوره محرومیت از توزیع عادلانه و افزایش درآمد کلی ملی بر اساس قاعده اثرات پایین رونده^۱، عدالت در جامعه برقرار شود، موفقیت این فرآیند در گرو افزایش سرمایه اجتماعی و عناصر کلیدی آن است تا طبقه بالای جامعه ترغیب و تشویق به تعامل اجتماعی بیش‌تر با طبقه پایین جامعه شده و خودشان به کاهش نابرابری‌های مبادرت ورزند. با توجه به آمارهای موجود نابرابری‌ها در کشور فزونی یافته است در واقع افزایش رشد اقتصادی در سال‌های اخیر همراه با توزیع متوازن نبوده است. اعداد و ارقام نیز وجود نابرابری در جامعه را تأیید می‌کنند، به طوری که براساس گزارش سازمان توسعه و عمران ملل متحد نیمی از مصرف در اختیار ۲۰٪ جمعیت ایران است. بدین معنا که مصرف دو دهک بالای درآمدی کشور معادل هشت دهک دیگر است. با مراجعه به آمار ضریب جینی هم به عنوان یکی از شاخص‌های تحلیل توزیع درآمد همین نتایج به دست می‌آید. این ضریب که شرایط کلی توزیع را نشان می‌دهد، هرچه به یک نزدیک‌تر شود، نشان دهنده نابرابری بیش‌تر است. به هر روی آمارهای مختلف افزایش نابرابری در کشور را تأیید می‌کند به گونه‌ای که ضریب جینی در سال ۱۳۵۶ در بدترین حالت یعنی ۵۱٪ بوده و در سال‌های پس از انقلاب از ۴۳٪ پایین‌تر نرفته است و این اصلاً رضایت‌بخش نبوده و

1- trickle - down effect

پیامدهای منفی همچون نابهنجاری‌های اجتماعی را به همراه دارد (مهاجری، ۱۳۸۴) و اما با توجه به همین شاخص‌های ارائه شده توسط مرکز آمار ایران شهر اصفهان با داشتن ضریب جینی ۰/۶ در مقایسه با بسیاری از شهرهای ایران مانند کرمان، ایلام، گیلان، مازندران و... در مقایسه با دهه پنجاه که ضریب جینی این شهر برابر ۰/۳۶ است و نسبت به کل کشور که این ضریب برابر ۰/۴۶ می‌باشد از سطح نابرابری بیش‌تری برخوردار است و عدم بررسی و رسیدگی به آن نابهنجاری‌های شدیدتری را به دنبال خواهد داشت. لذا بررسی نابرابری اجتماعی در شهر اصفهان و سهم عوامل مختلف در ایجاد آن از اهمیت خاصی برخوردار می‌شود. این تحقیق با توجه به جنبه شناختی سرمایه اجتماعی که معطوف به مشارکت در هنجارها، ارزش‌ها، اعتماد و باورهاست درصدد بررسی نوع ارتباط بین نابرابری‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی در کنار عوامل دیگر است. بنابراین تحقیق حاضر به تبیین وجود نابرابری اجتماعی موجود در شهر اصفهان و به واکاوی علل چنین پدیده‌ای با تأکید بر سرمایه اجتماعی پرداخته است. در واقع این تحقیق درصدد آن است که پس از سنجش میزان نابرابری اجتماعی و تعیین عمده‌ترین بخش‌های نابرابری‌های اجتماعی در شهر اصفهان به بخش نرم‌افزاری کاهش نابرابری‌های اجتماعی یعنی تقویت سرمایه اجتماعی بپردازد و از این طریق افق جدیدی در جهت ایجاد برابری‌های اجتماعی در پوشش‌های اجتماعی باز نماید. بر این اساس تعیین میزان نابرابری‌های اجتماعی، شناخت عمده‌ترین حوزه‌های نابرابری‌های اجتماعی، بررسی سهم عوامل مختلف در ایجاد نابرابری‌های اجتماعی، آگاهی یافتن از میزان سرمایه اجتماعی و مقایسه آن با تحقیقات قبلی، بیان مکانیسم تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر نابرابری‌های اجتماعی، و تبیین رابطه بین سرمایه اجتماعی و ابعاد آن در کاهش نابرابری‌های اجتماعی در بین شهروندان شهر اصفهان می‌تواند از اهداف این تحقیق به شمار آید.

چارچوب نظری تحقیق

با وجود آن که برابری اقتصادی و اجتماعی و کاهش فاصله طبقاتی، یکی از ارزش‌های اصلی و مرکزی نظام‌های مردم سالار است، اما ساخت اجتماعی به گونه‌ای است که نابرابری‌ها به صورت میراث گذشته از نسلی به نسل‌های بعدی منتقل می‌شود. چنان‌چه تحقیقات انجام شده در این زمینه نیز حاکی از یک رابطه متقابل میان بهره‌وری و برابری است و نتیجه آن بیان‌گر آنست که توزیع مجدد تحت بسیاری از شرایط، نه تنها رشد نابرابری را متوقف نمی‌سازد بلکه آن را تقویت می‌کند (تیلی، ۲۰۰۴، تیلی و آبلدا، ۱۹۹۵). به علاوه منزلت‌های اجتماعی و برخورداری از مزایای سیاسی و امکانات دیگر اقتصادی ناشی از کل جامعه (و دولت) بازهم به صورت نابرابر بین گروه‌ها و نسل‌های مختلف توزیع می‌شود و می‌توان گفت فواصل اجتماعی همراه با بی‌عدالتی، استمرار و عمق نابرابری‌ها را به صورت یک مسئله مزمن و مهم اجتماعی درمی‌آورد. دیدگاه‌های ارائه شده در این راستا می‌تواند در یک طبقه‌بندی کلی به سه دسته کارکردی، تضادی و تلفیقی تقسیم نمود:

الف) دیدگاه‌های جامعه‌شناسانی چون دورکیم، پارسونز، سامنر، پارتو، دیویس و مور... که با رویکرد کارکردگرایی به نابرابری پرداخته‌اند.

ب) جامعه‌شناسانی همچون مارکس، دارند ورف، اندیشمندان مکتب فرانکفورت و... رویکردی تضادگرایانه به نابرابری دارند.

ج) و اما جامعه‌شناسانی مانند ماکس وبر، لسنسکی، گیدنز و... نگاهی تلفیقی به نابرابری دارند.

نابرابری اجتماعی از دیدگاه کارکردگرایان

دورکیم معتقد بود که می‌توان به هدف همبستگی اجتماعی براساس اخلاقیات و عدالت دست یافت مشروط بر این‌که تقسیم کار سرمایه‌داری اصلاح شود و از آن آنومی و تضاد

طبقاتی و نابرابری اجباری رها گردد. دورکیم پیش بینی می‌کرد که تکامل طبیعی تقسیم کار، موارد نابهنجار را تقلیل خواهد داد. به عقیده وی افزایش تقسیم کار در جوامع سستی فئودالی و کاستی منجر به بهبود مشکلات مشابهی شده است. تقسیم کار و نیاز آن به مهارت‌های خاص، منجر به از بین بردن تعصب‌هایی شده است که بر اساس آن در زمان‌های قدیم افراد صرفاً به دلیل تبار اشرافی یا برتری دینی در مقام‌های بالا نشانده می‌شدند. به طور مشابه، «استعدادهای ویژه‌ای» که برای اشغال پایگاه‌های مهم در جامعه سرمایه‌داری ضرورت دارد، این امر را به طور فزاینده‌ای دشوار می‌سازد که پایگاه‌ها فقط بر اساس امتیاز طبقاتی اثری اشغال گردند، البته به طور قطع هنوز توارث تا اندازه‌ای رواج دارد و فرصت‌های آن عده لایق را که با «بخت بد» زاده شده‌اند محدود می‌سازد. با وجود این، عموم مردم به طور فزاینده‌ای معتقدند که این نابرابری‌های برونی باید ریشه کن شوند. مردم اعتقاد پیدا کرده‌اند که نابرابری نباید ناشی از نیروهای بیرونی باشد و باید تفاوت، شایستگی‌های فردی، استعدادها و تلاش‌های فرد برای خدمت به جامعه را منعکس کند. اعتقاد به برابری برونی، یعنی آن چه را که می‌توان فرصت برابر نامید، آنقدر رایج است که «نمی‌تواند توهمی صرف باشد و به طرز گیج‌کننده‌ای جنبه‌ای از واقعیت را بیان کند» (دورکیم، ۱۳۶۹).

پارسونز قشربندی را به عنوان رده‌بندی واحدها برحسب معیارهای نظام ارزش‌های مشترک در یک نظام اجتماعی می‌داند. لذا هر نظام قشربندی، تعبیری از ارزش‌های اصلی جامعه است که به نوبه خود سلسله مراتبی از موقعیت‌ها، پاداش‌ها، افراد و هر چیز دیگر را براساس پایه‌های ارزشیابی خاص خود ایجاد می‌کند. قشربندی نتیجه فوری اجتناب ناپذیر کنش اجتماعی است. نیروهای اجتماعی آفریننده و حامی مناسبات اجتماعی متشکل هستند و به طرز اجتناب ناپذیر، موجد قشربندی هستند. بنابراین قشربندی شکل اجتناب ناپذیر وجود اجتماعی است. نظریه قشربندی مثل نظریه نظام‌های اجتماعی آنقدر انتزاعی و کلی است که بر همه جوامع قابل اطلاق است (ادیبی، ۱۳۵۴).

دیویس و مور با ابراز این عقیده که نابرابری یک خصیصه کلی جامعه می‌باشد معتقدند که نابرابری یک ضرورت سازمانی است. به عقیده دیویس، نابرابری اجتماعی طرح ناآگاهانه‌ای است که به جوامع تضمین می‌دهد، که بهترین مشاغل توسط شایسته‌ترین افراد، لیکن به طور آگاهانه اشغال شود. خلاصه آن که اهمیت فونکسیونلی مشاغل در جامعه و کمیابی نسبی افراد واجد شرایط برای تصدی آن‌ها، عمده‌ترین عواملی هستند که میزان پاداش‌های اجتماعی را برای مشاغل و به عبارتی موقعیت‌های مختلف اجتماعی تعیین می‌کنند (ربانی، ۱۳۸۵).

پارتو در مطالعات مربوط به نظام قشربندی اجتماعی، جامعه را به دو بخش تقسیم می‌کند: توده‌ها و نخبگان. توده‌ها در مدارج پایینی از هوش و لیاقت قرار دارند ولی توانایی آن‌ها در استفاده از خشونت و زور زیاد است. برعکس نخبگان به دلیل لیاقت و هوش ذاتی خود بر دیگران برتری می‌یابند (انصاری، ۱۳۷۸).

سامنر، بها و ارزش اجتماعی انسان را ملاک تعیین طبقات اجتماعی می‌داند و معتقد است که هر کس به اندازه استعداد طبیعی خود در این رتبه‌بندی، مرتبه‌ای را احراز می‌کند. سامنر با الهام از مالتوس معتقد است هر کوشش برای کاهش نابرابری از جمله از طریق ایجاد سیستم تأمین اجتماعی زیان بار است، زیرا به غیر شایسته‌ها اجازه می‌دهد که با استفاده از امکانات به دست آمده، مانند خرگوش زاد و ولد کنند (ملک، ۱۳۷۴).

نابرابری اجتماعی از دیدگاه رادیکال‌ها

روش‌شناسی مارکس در توصیف نابرابری‌های اجتماعی را می‌توان سهل و ممتنع دانست. از دید مارکس انسان آفریده کار است و کار خود در شیوه تولید تبلور می‌یابد. در چارچوب هر شیوه تولید روابط و مناسباتی بر مبنای مالکیت شکل می‌گیرد که متضمن نابرابری‌های طبقاتی است و مارکس خصلت این روابط را تضاد و کشمکش می‌داند که نتیجه محتوم هر نوع نابرابری است. شالوده اسلوب مارکسی شناخت نابرابری که از دریچه

تضاد و کشمکش طبقاتی به آن نگریسته می‌شود، درک مبانی و شکل‌های مالکیت است. از دیدگاه مارکس مالکیت خصوصی عامل اساسی پیدایش شکاف طبقاتی (= نابرابری) بین مردم است و این شکاف همیشه در طول تاریخ بین طبقه «مالک و دارا و آن‌ها که دارا و مالک نیستند» وجود داشته است (گرب، ۱۳۷۳). نگرش طبقاتی مارکس درباره تمایزات و نابرابری‌ها فقط به پایه‌های مادی مبتنی بر مالکیت خصوصی محدود نمی‌شود. مارکس اندیشه، هنر و ارزش‌های اخلاقی را نیز بر مبنای همین تمایز و از طریق تقسیم مردم به دو گروه حاکم و محکوم درک می‌کند. از دیدگاه مارکس نابرابری در جامعه بشری فرآیندی است که از طریق تقسیم کار محقق شده است. اهمیت نظریه کنش طبقاتی مارکس نه فقط به خاطر محتوای بدیع جامعه‌شناختی آن، بلکه همچنین به خاطر نفوذ گسترده آن بر روی آراء جامعه‌شناختی بعدی در این حوزه است (زاهدی، ۱۳۸۵).

دارندورف تأکید می‌کند مادام که هنجارها وجود نداشته باشند و تا جایی که عمیقاً در مردم تأثیر نکرده باشند قشربندی اجتماعی هم وجود نخواهد داشت. اما زمانی که هنجارها بر رفتار مردم تأثیر می‌کنند و زمانی که رفتار بالفعل مردم بر اساس این هنجارها مورد سنجش قرار می‌گیرد ناگزیر نوعی نظام سلسله مراتبی از پایگاه‌های اجتماعی هم پدید خواهد آمد. به نظر دارندورف هسته اصلی نابرابری اجتماعی همیشه می‌تواند از این واقعیت استنتاج شود که انسان‌ها تابعی از طرز برخوردشان با انتظارات جامعه و تابعی از مجازات‌ها و پاداش‌هایی هستند که تضمین‌کننده خصلت الزام آور این انتظارات است (نامه فرهنگ، ۱۳۷۱). دارندورف قوانین را نیز چکیده هنجارها و نشانه وجود نابرابری در جامعه می‌داند و می‌گوید: «قانون شرط لازم و کافی نابرابری اجتماعی است و به عبارت دیگر نابرابری وجود دارد، زیرا قانون وجود دارد و چون قانون هست، لاجرم نابرابری هم در میان افراد بشر وجود خواهد داشت». به نظر او طلب کردن جامعه‌ای که از هر جهت در آن تساوی برقرار باشد نه تنها غیر واقع بینانه که آرمانی منحرف و هولناک است (ملک، ۱۳۷۴).

نابرابری اجتماعی از دیدگاه تلفیقی‌ها

از نظر ماکس وبر نابرابری اجتماعی در رابطه اجتماعی انعکاس می‌یابد. وبر رابطه اجتماعی را برای بیان شرایطی به کار می‌برد که دو یا چند نفر در رفتاری مشارکت دارند که در چارچوب آن هریک از آنان دیگری را به طرز معناداری به حساب می‌آورد و در نتیجه رفتار مذکور بر همین اساس جهت‌گیری می‌شود. «محتوای این جهت‌گیری متقابل می‌تواند متغیرترین حالات را شامل شود که از جمله آن می‌توان کشمکش، خصومت، جاذبه جنسی، دوستی، وفاداری یا مبادله اقتصادی» را نام برد. علاوه بر این محتوای مزبور می‌تواند انجام، انکار و یا طفره رفتن از یک قرارداد و همچنین رقابت اقتصادی یا عشقی و یا هر نوع دیگری از رقابت و نیز تقسیم مناصب یا عضویت در یک طبقه یا ملت را در برگیرد (وبر، ۱۳۶۷ به نقل از زاهدی، ۱۳۸۵). بر این اساس، نابرابری را به زبان وبری باید نوعی از محتوای رابطه اجتماعی تعریف کرد که تماماً عبارت از این احتمال است که افراد به طریقی قابل تعین و معنادار بر مبنای درک تطبیقی منزلت‌های درون فهمی شده به صورتی تفاوت گذار و تبعیضی رفتار خواهند کرد. هم چنین می‌دانیم که وبر منزلت‌ها را مبنی بر سه عامل «قدرت»، «ثروت» و «حیثیت» می‌داند؛ پس این درک تطبیقی و درون فهمی شده به نوبه خود به کارکرد درجات معین قدرت، ثروت و حیثیت در تنظیم رابطه اجتماعی بستگی دارد (زاهدی، ۱۳۸۵).

گیدنز مانند وبر و ماکس به رابطه نزدیک بین قدرت و نابرابری معتقد است. گیدنز عقیده دارد که جنسیت یکی از مهم‌ترین زمینه‌های نابرابری است و نابرابری جنسی از نظر تاریخی بسیار ریشه دارتر از نظام‌های طبقاتی است (گیدنز، ۱۳۸۴). وی در بحث برابری خواهی تأکید عده‌ای بر برابری فرصت یا شایسته‌سالاری را مورد انتقاد قرار می‌دهد و معتقد است که این نوع برابری خود موجب نابرابری‌های عمیق در جامعه خواهد شد و به نوعی انسجام اجتماعی را نیز تهدید خواهد کرد. گیدنز با طرح این پرسش که: «برابری باید به چه مفهومی در نظر گرفته شود؟ سیاست نوین برابری را به عنوان «ادغام» و نابرابری را به عنوان «طرد» تعریف می‌کند (هادی زونور، ۱۳۸۵).

نابرابری‌های اجتماعی در یک نگاه از منظر صاحب‌نظران

تعریف نابرابری	الزامات اساسی	مبنای نابرابری	پارادایم نظری	رویکرد	سطح تحلیل	نظریه پرداز	
تقسیم کار و تقسیم غیرمساوی پاداش	پاداش	تقسیم کار	نظم	جامعه‌شناسی	کلان	دورکیم	کارکردگرایان
معیارهای نظام ارزش‌های مشترک	ارزش‌ها	کنش اجتماعی	نظم	جامعه‌شناسی	کلان	پارسونز	
اشغال جایگاه‌های معین در جامعه و نیاز آن به مهارت‌های خاص	جایگاه‌ها و مهارت‌ها	ضرورت سازمانی	نظم	جامعه‌شناسی	کلان	دیویس و مور	
توزیع نابرابری قدرت و ثروت، لازم برای تعادل اجتماعی	حاکمیت نخبگان	طبیعت بشر	نظم	جامعه‌شناسی	کلان	پارتو	
چولگی منابع ارزشمند	منابع ارزشمند	عدالت توزیعی	نظم	جامعه‌شناسی	کلان / خرد	چلبی	
دیوان‌سالاری و تقسیم نامساوی اقتدار	دیوان‌سالاری	قدرت، مشروعیت حیثیت	تضاد	جامعه‌شناسی	کلان	ماکس وبر	
نابرابری بازتاب قدرت و امتیاز	تفاوت در دسترسی به قدرت	قدرت و امتیاز	تضاد	جامعه‌شناسی	کلان	لنسکی	
ساخت‌یابی بی‌نظمی توزیع قدرت و ثروت	منابع ارزشمند	ساخت‌یابی	تضاد	جامعه‌شناسی	کلان	گیدنز	
کنترل‌داری مولد	انحصار	انسداد اجتماعی	تضاد	جامعه‌شناسی	کلان / خرد	فرانک پارکین	

مالکیت وسایل تولید و تقسیم نامساوی پاداش	مالکیت خصوصی	مبارزه طبقاتی	تضاد	جامعه‌شناسی	کلان	مارکس	رادیکال‌ها
مالکیت خصوصی بر عوامل تولید	مالکیت	قدرت	تضاد	جامعه‌شناسی	کلان	وسترگارد و رسلر	
کنترل تولید مادی به مثابه منبع قدرت و نابرابری	نیروی کاری	قدرت طبقاتی	تضاد	جامعه‌شناسی	کلان	نیکولاس پولانزاس	
تأثیر هنجارها و نتیجه ثانویه ساخت اجتماعی قدرت	هنجار و قدرت	توزیع نابرابری اقتدار	تضاد	جامعه‌شناسی	کلان	دارندورف	

نظریه پردازان سرمایه‌اجتماعی

بورديو در تعريفی که از سرمایه اجتماعی ارائه می‌دهد می‌گوید: سرمایه اجتماعی حاصل جمع منابع بالقوه و بالفعل فراهم شده برای فرد یا گروه است. این منابع برآمده از مالکیت شبکه‌بادوامی از روابط کم و بیش نهادینه شده‌ای است که از فهم متقابل و سوابق مشترک بین افراد حاصل می‌شود (برت، ۲۰۰۰).

کلمن برخلاف بورديو که نگاهی تضادگرایانه داشت با رویکردی کارکردگرایانه به مسئله سرمایه اجتماعی می‌پردازد. به نظر وی سرمایه اجتماعی را می‌بایست با کارکردش تعريف کرد. کارکردی که به وسیله سرمایه اجتماعی مشخص می‌شود «ارزش جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که کنش‌گران به عنوان منابعی جهت تحقق اهداف و علایق خود از آن‌ها استفاده می‌کنند». کلمن در این تعريف به دو ویژگی سرمایه اجتماعی اشاره می‌کند یکی این که جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است و دیگر این که کنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند تسهیل می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷).

پوتنام در تعریف خود از سرمایه اجتماعی به دو رکن اصلی اشاره می‌کند. یکی شبکه‌های اجتماعی و دیگری اعتماد اجتماعی که اگر هر دو با هم در یک جامعه وجود داشته باشد، منجر به تشکیل سرمایه اجتماعی خواهد شد. به نظر وی سرمایه اجتماعی می‌تواند با شاخصه‌هایی مانند: نظام سیاسی، توسعه سیاسی و اجتماعی و اقتصادی، سلامت اجتماعی و تعلیم و تربیت به طور جدی مرتبط باشد. پوتنام به وجود رابطه میان سرمایه اجتماعی و نظام سیاسی اعتقاد دارد. از نظر وی اعتماد اجتماعی حلقه واسط میان سرمایه اجتماعی و نظام سیاسی است. هر اندازه یک نظام سیاسی بتواند اعتماد اجتماعی بیشتری را به دست بیاورد، به ثبات بیش‌تر و مشکلات کم‌تری دست پیدا خواهد کرد (پوتنام، ۱۹۹۵).

فوکویاما (۱۳۷۹)، سرمایه اجتماعی را ذخیره جامعه از ارزش‌های مشترک و مؤثر و نیز هنجارهای غیر رسمی جا افتاده‌ای می‌داند که همکاری میان دو یا چند نفر را تشویق می‌کند. به نظر وی الزامات اساسی سرمایه اجتماعی عبارتند از: هنجارهای غیر رسمی، صداقت و اعتماد. سطح تحلیل او در مطالعاتش واحدهای میانی و کلان جامعه است. او از این مفهوم برای بیان فروپاشی نظم اخلاقی جامعه و رسیدن مجدد جامعه به نظم اجتماعی استفاده کرده است.

گلن لوری (۱۹۸۵)، سرمایه اجتماعی را نوعی پیوندهای اجتماعی در میان کسانی می‌داند که دارای منافع اقتصادی هستند. این پیوندها از طریق ارزش‌های مشترک و گرایش‌های فردی مثبت ایجاد می‌شود. در بیانی دیگر وی سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از منابع و امکاناتی می‌داند که در ذات روابط خانوادگی و سازمان اجتماعی جامعه به صورت ذاتی و ماندگار وجود دارد (لوری، ۱۹۸۵).

توجه به دیدگاه‌های مختلف نابرابری‌های اجتماعی و تعاریف سرمایه اجتماعی، رابطه مفهومی این دو را بهتر نشان می‌دهد. به طور کلی سرمایه اجتماعی را می‌توان منابعی تعریف کرد که میراث روابط اجتماعی اند و کنش جمعی را تسهیل می‌کنند. سرمایه

اجتماعی جامعه را سالم‌تر، دارا تر و شاید با تدبیرتر و شکیبایتر می‌سازد، هم چنان که گروتارت سرمایه اجتماعی را مؤلفه‌ای اساسی برای تبیین این پرسش که چرا برخی از جوامع نسبت به جوامع دیگر موفق‌تر هستند می‌داند. در کشورهای توسعه نیافته، فقدان سرمایه اجتماعی را حلقه مفقوده توسعه و رشد اقتصادی نام نهاده‌اند. به نظر اوسلانر و دکر^۱ کشورهای با سطوح بالاتر اعتماد، عمل کرد حکومتی مناسب‌تر، رونق بیش‌تر و رشد اقتصادی بیش‌تر خواهند داشت (دکر و اوسلانر، ۲۰۰۱). بدیهی است برای توسعه هم سرمایه‌های انسانی لازم است و هم سرمایه‌های اجتماعی. سرمایه اجتماعی شامل نهادهای رسمی و غیررسمی از قوانین، روش‌ها، عادات و سنن اجتماعی، قواعد رفتاری، اعتماد عمومی، فضای کار و کسب و از این قبیل است. اگر درکنار سرمایه فیزیکی و نیروی کار و مواد اولیه، این سرمایه‌های انسانی و اجتماعی را نداشته باشیم در عمل این سرمایه‌ها قابل استفاده نیستند. ما این کمبود را در کشورمان احساس می‌کنیم که با وجود نیروی انسانی و سرمایه‌های فیزیکی و مواد اولیه، از سرمایه‌های اجتماعی و انسانی کافی برخوردار نبوده‌ایم و در نتیجه این منابع در خدمت توسعه کشور قرار نگرفته است (برادران شرکاء، ۱۳۸۴). در شرایطی که سرمایه اجتماعی یعنی توانایی استفاده جمعی و توأم با همکاری از منابع برای وظایف عمومی وجود نداشته باشد، بعید است که تنها تأمین سرمایه مالی و افزایش سرمایه انسانی بتواند به نتایج مثبتی همچون رشد اقتصادی و کاهش فقر و نابرابری، مشارکت بیش‌تر و پاسخ‌گویی به نهادهای عمومی منجر شود (تاجبخش، ۱۳۸۴). شناخت و تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه از طرفی باعث افزایش تحمل مردم نسبت به مسائل جامعه از جمله فقر و نابرابری شده و از طرف دیگر ایجادکننده ارزش افزوده اقتصادی است که می‌تواند منجر به کاهش فقر و نابرابری گردد.

1- Uslaner & Dekker

سرمایه اجتماعی در یک نگاه از منظر پژوهش گران

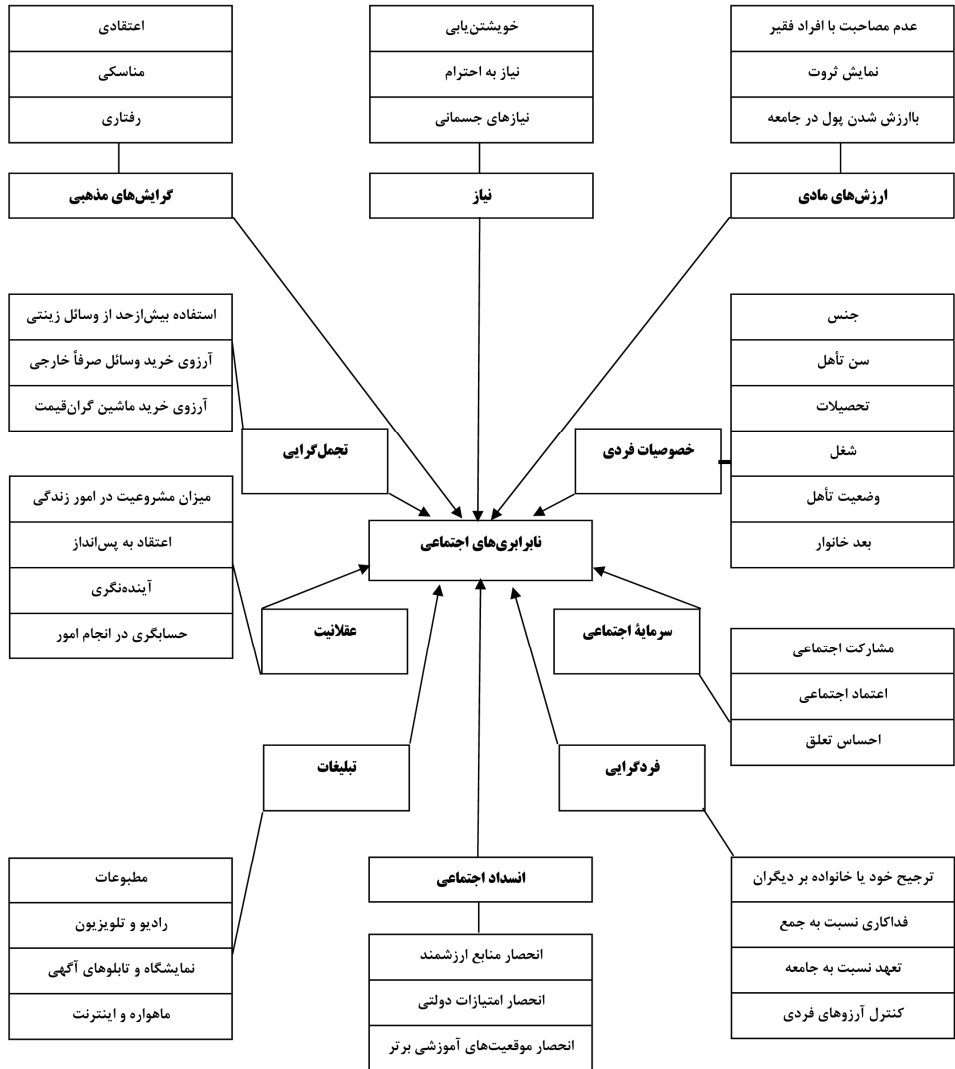
واحد تحلیل	هدف	موارد کاربرد	الزامات اساسی	تعریف سرمایه اجتماعی	متغیرها
					پژوهش گران
فرد	توجه مسئولین	بیان مراوده اجتماعی روستائیان	همدردی، دلسوزی، مراوده اجتماعی	بنابر نظر اکثریت پژوهش گران وی واضع اصطلاح سرمایه اجتماعی است. وی سرمایه اجتماعی را نوعی دارایی می داند مانند: حسن تفاهم، همدردی، رفاقت و دوستی در بین افراد و خانواده ها که در زندگی روزانه افراد به حساب می آید.	لیداهانی فن (۱۹۱۶) D.L Hanifan
خرده میانی	مراکز اجتماعی مدارس روستایی به تقویت و افزایش مرآوده اجتماعی روستائیان				
فرد	رسیدن به شهر و جامعه سالم	تجزیه، تحلیل و بیان همکاری داوطلبانه مردم با مقامات محلی	همکاری داوطلبانه، احساس تعهد، شهروندی، شبکه های اجتماعی فشرده	شبکه های اجتماعی فشرده ای هستند که می توانند در ارتباط با سالم سازی جامعه و برخورد با جرم و جنایت مؤثر باشند.	جین جاکوب (۱۹۶۱) Jacobs J
فرد، طبقه	رسیدن به سرمایه انسانی	از ماهیت و محتوای دورنی سرمایه اجتماعی بیش تر استفاده کرده است، تا جنبه های کارکردی آن	اعتماد، پیوندها و تعاملات فردی و گروهی، ارزش ها و هنجارها	منابعی که منافع عمومی را مورد ارزیابی قرار می دهند و دسترسی به خدمات گروه را آسان می کند. وی تعریفی ماهوی و محتوایی از سرمایه اجتماعی ارائه می دهد	پی بر بوردیو (۱۹۷۲) Bourdieu .P
خرده میانی					

واحد تحلیل	هدف	موارد کاربرد	الزامات اساسی	تعریف سرمایه اجتماعی	متغیرها
					پژوهش‌گران
فرد	رسیدن به توسعه اقتصاد	توصیف ارتباط بین توسعه اقتصاد درون شهرک	اعتماد، همبستگی اجتماعی و گروهی	مجموعه‌ای از منابع و امکاناتی که در روابط خانوادگی و سازمان اجتماعی جامعه به صورت ذاتی و ماندگار وجود دارد و برای جامعه پذیرای کودک یا بزرگسالان مفید است	گلن لوری (1985) Loury.G
خرید	افزایش سرمایه انسانی	شهری و توسعه سرمایه انسانی			
فرد، گروه‌ها	جامعه	برای اولین بار در آمریکای شمالی این واژه را وارد عرصه سیاسی کرد با تأکید بر کارکردهای سرمایه اجتماعی	اعتماد، اختیار، تعهدات، انتظارات، ارزش‌ها و هنجارها	منبعی اجتماعی - ساختاری است که دارای و سرمایه افراد و گروه‌ها محسوب می‌شود. وی تعریفی کارکردی و نه ماهوی از سرمایه اجتماعی ارائه می‌کند. تعریف وی نسبت به دیگران عمومی‌تر است.	جیمز کلن (1988) Coleman .J
رژیم‌های سیاسی (حکومت‌های ملی)	رسیدن به توسعه سیاسی و اقتصادی	تأکید بر کارکردهای سیاسی و اقتصادی به ویژه برای بهبود آموزش و پرورش، سلامت و بهداشت و کاهش جرم و جنایت	اعتماد و تعهدات، ارزش‌ها و هنجارها، احساس تعلق و پیوندها، صداقت	مجموع منابعی است که از طریق روابط بین افراد و شبکه‌های اجتماعی، هنجارهای متقابل و اعتماد اجتماعی تولید می‌شود. وی سرمایه اجتماعی را واسطه بین هنجارها و اجرای قوانین جامعه می‌داند.	رابرت پوتنام (1990) Putnam.R
کلان					

واحد تحلیل	هدف	موارد کاربرد	الزامات اساسی	تعریف سرمایه اجتماعی	متغیرها
					پژوهش گران
ناحیه، اجتماع	رسیدن به توسعه اقتصادی	برای بیان فروپاشی نظم اخلاقی جامعه و رسیدن مجدد جامعه به نظم اجتماعی	هنجارهای غیر رسمی که سبب همکاری می شود، صداقت، اعتماد	ذخیره جامعه از ارزش های مشترک و مؤثر و هنجارهای غیر رسمی و جا افتاده ای که همکاری میان دو یا چند نفر را تشویق می کند.	فرانسیس فوکویاما (۱۹۹۷) F. Fukuyama
میان، کلان					
کشور، واحدهای ملی	رسیدن کشورها به توسعه اقتصادی و اجتماعی	بیان وضعیت توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور	همبستگی اجتماعی، اعتماد اجتماعی	روابط و هنجارهایی است که در سطح سازمان ها، نهادها و جوامع، کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی را می سازند.	بانک جهانی (۱۹۹۹) World Bank
کلان					

مدل تحلیلی و فرضیه های تحقیق

مهم ترین یافته نظری این پژوهش به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی بر نابرابری های اجتماعی در کنار سایر عوامل مؤثر معطوف می گردد. از لحاظ نظری، این سؤال وجود دارد که چگونه شرایط اجتماعی به نابرابری های اجتماعی منجر می شود و به گسترش آن در جامعه می انجامد. در این تحقیق با الهام از آرای صاحب نظران کارکردگرا، رادیکال و تلفیقی، می توان عوامل مؤثر بر ایجاد و گسترش نابرابری اجتماعی به ویژه سرمایه اجتماعی را در قالب مدل نظری زیر بیان نمود.



مدل تحلیلی، تأثیرانواع متغیرهای گوناگون مستخرج از نظریه‌های صاحب‌نظران فوق و هم‌چنین متغیرهای پیشینه‌ای (سن، جنس، تحصیلات و...) را از یک سو و تأثیر سرمایه‌اجتماعی را از سوی دیگر بر نابرابری‌های اجتماعی مورد نظر قرار می‌دهد.

از مدل تحلیلی پژوهش می‌توان فرضیه‌های زیر را استخراج نمود:

- بین میزان سرمایه اجتماعی شهروندان و نابرابری‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین ارضاء نیازهای شهروندان و نابرابری‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین گرایش‌های مذهبی شهروندان و نابرابری‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین میزان تجمل‌گرایی شهروندان و نابرابری‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین میزان انسداد اجتماعی و نابرابری‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین گرایش به ارزش‌های مادی در جامعه و نابرابری‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین میزان عقلانیت شهروندان و نابرابری‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.
- بین متغیرهای پیشینه‌ای و نابرابری‌های اجتماعی رابطه وجود دارد.

روش‌شناسی

روش‌های تحقیق در مطالعات جامعه‌شناختی مختلف و متنوع است. در این مطالعه از روش پیمایشی بهره گرفته شده است. در این تحقیق از پرسش‌نامه استفاده شده است که حاوی سؤالات بسته و بسته‌مدرج مانند طیف‌های لیکرت و برش قطبین به منظور سنجش متغیرهای مستقل و وابسته است. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شهروندان شهر اصفهان که بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ مرکز آمار ایران برابر با ۱۶۲۱۲۶۳ نفر است، می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول کوکران و بر اساس میزان پراکندگی متغیرهای اصلی مورد مطالعه در تحقیق، استفاده شده است. دارا بودن بالاترین ضریب تغییرات با توجه به میزان و نسبت p و q بیان‌گر بیش‌ترین پراکندگی در جامعه آماری در توزیع متغیرهای مذکور است. مقدار دقت احتمالی مطلوب برای نمونه $(d) 0.05$ و احتمال

وجود صفت مورد نظر (p) و عدم وجود صفت مورد نظر (q) برای نمونه به ترتیب ۰/۴۶۷ و ۰/۵۳۳ (یا بالعکس) و ضریب اطمینان (z) برابر ۲/۵۸ که با ۹۹٪ اطمینان است، در نظر گرفته شده است. بر اساس این اطلاعات، حجم نمونه با توجه به بیش‌ترین پراکندگی برابر ۶۶۳ نفر محاسبه شده است. البته به علت مخدوش شدن و مشکلات احتمالی دیگر ۷۰۰ پرسش‌نامه توزیع گردید و در نهایت ۶۹۶ پرسش‌نامه استخراج شد. شیوه نمونه‌گیری در این تحقیق سهمیه‌های بوده است. سهمیه‌ها با توجه به سه متغیر منطقه جغرافیایی، محل سکونت و گروه سنی تعیین شده‌اند. بر اساس نقشه شهر اصفهان، شهر به ۲۹ ناحیه یا بلوک تقسیم شده است و هر بلوک نیز با توجه به تمرکز جمعیت در قسمت‌های مختلف به ۲ تا ۵ قسمت فرعی تقسیم شده و به هر قسمت متناسب با حجم تمرکز، نمونه متفاوتی اختصاص یافته است. در این تحقیق به منظور تعیین اعتبار طیف‌های سنجش متغیرهای مستقل و وابسته از روش اعتبار اندازه‌گیری بر اساس گروه‌های شناخته شده که از زمره روش‌های آماری و کمی اعتبار سازه به شمار می‌آید، بهره گرفته شده است و به منظور تعیین پایایی از روش محاسباتی آلفای کرونباخ استفاده شده است. میزان آلفای محاسبه شده برای دسته طیف‌های موجود بین ۶۰٪ تا ۹۵٪ می‌باشد.

در این پژوهش برای تعیین میزان نابرابری اجتماعی، میزان دارایی افراد بر اساس سه متغیر: امکانات منزل، قیمت ماشین و درآمد بررسی شده است. هر چند با اضافه کردن دارایی‌های دیگر مانند املاک، مستغلات، باغ، سهام و... می‌توانستیم اطلاعات دقیق‌تری به دست آوریم ولی استفاده از سه مورد فوق به دلیل مشترک بودن بین همه افراد جامعه، انتخاب شده است. با توجه به این منابع و میزان تعلق آن به هر کدام از پاسخ‌گویان جهت بهتر و واضح‌تر تحلیل نمودن، جامعه آماری را به سه دسته تقسیم گردید به صورتی که افراد قشر پایین جامعه را که از مجموعه دارایی‌های کم‌تری برخوردار بوده، طبقه یک قرار داده و آن‌هایی که دارای حد متوسطی از این دارایی بوده، طبقه دو و کسانی که از بالاترین میزان دارایی بهره‌مند بودند طبقه سه قرار دادیم. همچنین در این تحقیق ابتدا مسئله نابرابری

به ابعاد جزئی تر تقسیم، آن گاه معرف‌های مربوط به هر بعد مشخص گشته و سپس متناسب با ابعاد نابرابری، مطلوب‌ترین روش برای سنجش آن‌ها انتخاب گردیده است. در این تحقیق بررسی برخی از ابعاد نابرابری در سطح فاصله‌ای بوده و با سئوالات بسته سنجیده شده است و عمده ابعاد دیگر نابرابری در سطح سنجش ترتیبی فراهم گردیده است. به طوری که به وسیله این مقیاس می‌توان علاوه بر دارا بودن یا نبودن یک صفت کیفی، شدت و ضعف نسبی آن‌را با کمی اغماض و تسامح، میزان آن را به طور فاصله‌ای تعیین کرد. برای بررسی و سنجش معرف‌های نابرابری از گویه استفاده شده است. هم‌چنین بر اساس تعدادی سؤال و گزینه چند درجه‌ای جهت سنجش اعتماد رسمی، اعتماد غیررسمی، اعتماد تعمیم یافته، مشارکت مدنی، مشارکت اجتماعی، احساس تعلق، یک طیف نه گویه‌ای به سبک‌های لیکرت و برش قطبین جهت سنجش ارزش‌های مادی، یک طیف چهار گویه‌ای به سبک لیکرت جهت سنجش ارضاء نیازها، پرسش‌نامه نهایی تدوین شد. در مجموع پرسش‌نامه مشتمل بر سئوالات منفرد و طیف‌های سنجش چندگویه‌ای است. طیف‌های سنجش عمدتاً به سبک لیکرت و هم‌چنین برش قطبین تنظیم شده‌اند.

تعریف مفاهیم و متغیرها

- نابرابری اجتماعی: توزیع چوله منابع ارزشمند در جامعه را نابرابری اجتماعی گویند (چلبی، ۱۳۷۵). به طوردقیق‌تر به تفاوت‌هایی میان افراد (یا جایگاه‌هایی که به صورت اجتماعی تعریف شده است و آن‌ها آن را اشغال کرده‌اند) اشاره می‌کند، که بر نحوه زندگی آن‌ها، خاصه بر حقوق و فرصت‌ها و پاداش‌ها و امتیازاتی که از آن برخوردارند تأثیر دارد (گرب، ۱۳۷۳).

- سرمایه اجتماعی: آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی از قبیل هنجارها، شبکه‌های اجتماعی و اعتماد متقابل است که مشارکت و هماهنگی افراد برای دستیابی به منافع مشترک را تسهیل می‌کند (پوتنام، ۱۹۹۵).

- شبکه روابط اجتماعی: مجموعه‌ای از الگوهای ارتباطی است که توسط مشارکت جویان به منظور ایجاد کنش متقابل به کار گرفته می‌شود. در این مجموعه منابعی نیز توسط کنش‌گران به حریم و درون کنش آورده می‌شوند. منابع بالقوه آن عبارت است از مهارت‌ها و توانایی‌های شخصی و منابع اقتصادی آن منابعی است که با مشاغل و پایگاه کنش‌گران و دیگر گروه‌هایی که به آن‌ها متصل هستند مرتبط است (مرکز آمار استرالیا، ۲۰۰۳).
- مشارکت اجتماعی: انواع کنش‌های فردی و گروهی شهروندان به منظور دخالت در تعیین سرنوشت اجتماعی و تأثیر نهادن در فرآیند تصمیم‌گیری‌های عمومی، مشارکت اجتماعی است (هانتینگتون و نلسون، ۱۹۷۶).
- اعتماد اجتماعی: پذیرش قواعد بازی در صحنه اجتماع و مشروعیت آن و اطمینان به بازیگران در این صحنه را اعتماد اجتماعی گویند (چلبی، ۱۳۷۵).
- برابری: برابری به عنوان وضعیتی تعریف شده که در آن ویژگی‌های خاص به طور عادلانه میان واحدها توزیع می‌شود که این واحدها می‌توانند گروه‌ها، افراد، کشورها و... باشند (فایرباف، ۲۰۰۳). به لحاظ تاریخی نیز، نظریه برابری متمرکز بر عدالت درک شده از مقدار پاداش‌های توزیع شده بین افراد است (رابینز، ۲۰۰۱).
- ارزش‌های مادی: ارزش‌های مادی عبارتند از مطلوبیت و مورد تقاضا بودن معیارها و اصول مربوط به نیازهای ایمنی و فیزیولوژیک. در تعریف عملیاتی اهمیت قائل شدن فرد برای امور و مسائل ایمنی و مادی در جامعه و نیز امور و مسائل مادی در زندگی فردی مورد نظر قرار می‌گیرد (قانع‌ی راد و حسینی، ۱۳۸۴).
- ارضاء نیاز: ارضاء نیاز مرکب از دو واژه «ارضاء» به معنای خشنود کردن، راضی گردانیدن و دادن چیزی برای خشنود کردن (معین، ۱۳۶۳) و «نیاز» احساس فقدان یا حرمانی است که به یک موجود زنده (و مخصوصاً انسان دارای آگاهی) به جهت آن که در جریان تحقق اهدافش خود را فاقد چیزی می‌بیند، دست می‌دهد (بیرو، ۱۳۸۰).

یافته‌های تحقیق

میزان نابرابری اجتماعی

چنان چه در جدول (۱) مشاهده می‌گردد شدت نابرابری‌های اجتماعی به ترتیب در پنج درجه بسیار پایین، پایین، حدوسط، بالا و بسیار بالا طبقه‌بندی شده است. از نتایج جدول مشاهده می‌شود که هیچ کدام از پاسخ‌گویان طبقه یک نابرابری اجتماعی بسیار پایین ندارند، اما از بین کل پاسخ‌گویان طبقه دو ۴/۶ درصد و از بین کل پاسخ‌گویان طبقه سه ۱۵/۲ درصد دارای میزان نابرابری بسیار پایینی بوده‌اند. در حالی که میزان نابرابری اجتماعی در بین ۳۴/۶ درصد از پاسخ‌گویان طبقه یک و بین ۱۲/۵ درصد از افراد طبقه دو و بین ۱/۳ درصد از پاسخ‌گویان طبقه سه بالا و بسیار بالا بوده است. با توجه به میانگین‌های به دست آمده بر روی طیف پنج‌درجه‌ای، میانگین نابرابری برای طبقه یک ۳/۲ و برای طبقه دو ۲/۸ و برای طبقه سه ۲/۰ و در کل ۲/۷ می‌باشد. بنابراین با مقایسه میانگین‌ها، به این نتیجه دست می‌یابیم که نابرابری اجتماعی در طبقه یک بالاتر از طبقه دو و سه می‌باشد. به نظر میرسد میزان فرصت‌های تحرک به خوبی می‌تواند علت اختلاف میانگین طبقه یک (۳/۲) و طبقه سه (۲/۰) را تبیین کند. در مجموع با توجه به میزان $F(۸۶/۳۱)$ و درصد ضریب معناداری (۰/۰۰۰) با اطمینان حداقل ۹۵٪ می‌توان این افزایش نابرابری اجتماعی در طبقه یک نسبت به دو طبقه دیگر را برای جامعه آماری مورد تحقیق پیش‌بینی نمود.

جدول ۱- توزیع پاسخ‌گویان بر حسب میزان نابرابری اجتماعی آن‌ها

طبقات		طبقه ۱		طبقه ۲		طبقه ۳		کل
تعداد	درصد طبقه	تعداد	درصد طبقه	تعداد	درصد طبقه	تعداد	درصد	
بسیار پایین	۰	۰	۴/۶	۱۲	۱۵/۲	۳۳	۴/۷	
پایین	۲۵	۱۵/۴	۱۶۸	۳۶/۹	۵۳	۶۷/۱	۵۳/۳	
حد وسط	۸۱	۵۰/۰	۲۰۹	۴۵/۹	۱۳	۱۶/۵	۴۳/۵	
بالا	۴۷	۲۹/۰	۵۳	۱۱/۶	۱	۱/۳	۱۴/۵	
بسیار بالا	۹	۵/۶	۴	۰/۹	۰	۰	۱/۹	
کل	۱۶۲	۱۰۰	۴۵۵	۱۰۰	۷۹	۱۰۰	۶۹۶	
میانگین بر روی طیف پنج‌درجه‌ای	۳/۲	۲/۸	۲/۰	۲/۷				

F = ۸۶/۳۱ sig = ۰/۰۰۰

ابعاد نابرابری اجتماعی

بر اساس مندرجات جدول (۲) ۴۷/۱ درصد از کل پاسخ‌گویان در معرض نابرابری اقتصادی بالا و بسیار بالا قرار گرفته‌اند و تنها ۲۲/۶ درصد از پاسخ‌گویان دارای نابرابری اقتصادی پایین و بسیار پایین هستند و ۳۰/۳ درصد از افراد نسبت به این شاخص در حد وسط قرار دارند. هم‌چنین یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ۶۴/۵ درصد از پاسخ‌گویان دارای نابرابری سیاسی بالا و بسیار بالا می‌باشند. یعنی نسبت به روند سیاسی جامعه نظر مطلوبی ندارند و حال آن‌که تنها ۷/۸ درصد از پاسخ‌گویان در معرض نابرابری سیاسی پایین و بسیار پایین قرار گرفته‌اند و ۲۷/۶ درصد از پاسخ‌گویان در حد وسط از این شاخص می‌باشند. و اما نابرابری جنسی در مورد ۵۶/۶ درصد از پاسخ‌گویان بالا و بسیار بالا بوده و تنها ۸/۳ درصد از پاسخ‌گویان دچار تبعیض‌های جنسیتی در حد پایین و بسیار پایین شده‌اند. ۳۵ درصد از پاسخ‌گویان در حد وسط از تبعیض‌های جنسیتی قرار دارند. ۲۹/۳ درصد از پاسخ‌گویان در وضعیتی قرار گرفته‌اند که در آن وضعیت نابرابری و تبعیض شغلی در مورد آن‌ها بالا و بسیار بالا بوده است و ۱۹/۷ درصد در وضعیت پایین و بسیار

پایین از تبعیض شغلی قرار گرفته‌اند اما بیش از نیمی از پاسخ‌گویان (۵۱/۱ درصد) این وضعیت تبعیض‌آمیز را در حد متوسط نسبت به خود دانسته‌اند. در مجموع با توجه به میانگین‌های به دست آمده برای ابعاد نابرابری‌های اجتماعی بر روی یک طیف پنج‌درجه‌ای می‌توان گفت به ترتیب نابرابری‌های سیاسی، جنسی، اقتصادی، شغلی، آموزشی، فرصت‌ها و هزینه‌ها از مهم‌ترین ابعاد نابرابری‌های اجتماعی در نمونه تحقیق مورد مطالعه می‌باشند.

جدول ۲- توزیع و مقایسه ابعاد نابرابری اجتماعی و میزان آن‌ها

نابرابری شغلی		نابرابری جنسی		نابرابری آموزشی		نابرابری هزینه		نابرابری فرصت‌ها		نابرابری سیاسی		نابرابری اقتصادی		ابعاد نابرابری اجتماعی طبقات
تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	
۱۱	۱/۶	۹	۱/۳	۵۱	۷/۳	۱۱۵	۱۶/۶	۵۸	۸/۵	۲۱	۳/۰	۴۷	۶/۸	بسیار پایین
۱۲۶	۱۸/۱	۴۹	۷/۰	۱۸۱	۲۶/۰	۲۹۷	۴۲/۷	۲۹۷	۴۲/۷	۳۴	۴/۸	۱۱۰	۱۵/۸	پایین
۳۵۶	۵۱/۱	۲۴۴	۳۵/۰	۲۳۵	۳۳/۷	۲۸۷	۴۱/۲	۲۸۷	۴۱/۲	۱۹۳	۲۷/۶	۲۱۱	۳۰/۳	حد وسط
۱۵۴	۲۲/۲	۴۴/۱	۳۰/۷	۱۷۰	۲۴/۴	۵۲	۷/۵	۵۲	۷/۵	۹۰	۱۲/۹	۱۴۶	۲۱	بالا
۴۹	۷/۱	۱۲/۵	۸/۷	۵۹	۸/۴	۶	۰/۲	۲	۰/۲	۳۵۹	۵۱/۶	۱۸۲	۲۶/۱	بسیار بالا
۶۹۶	۱۰۰	۶۹۶	۱۰۰	۶۹۶	۱۰۰	۶۹۶	۱۰۰	۶۹۶	۱۰۰	۶۹۶	۱۰۰	۶۹۶	۱۰۰	جمع
۳/۱		۳/۶		۳/۰		۲/۱		۲/۵		۴/۰		۳/۴		میانگین ابعاد نابرابری روی یک طیف پنج‌درجه‌ای

البته هر چند شدت ابعاد نابرابری‌های اجتماعی یکسان نیست اما این ابعاد بر همدیگر تأثیر معناداری دارند و یکدیگر را در راستای افزایش نابرابری اجتماعی تقویت می‌کنند. با توجه به میانگین‌های به دست آمده جدول (۳) ملاحظه می‌کنیم که میانگین طبقه یک ۳/۲، میانگین طبقه دو ۳/۳ و میانگین طبقه سه ۴ بوده و به ترتیب از کم‌ترین تا بیش‌ترین میانگین را در بین نمونه مورد مطالعه داشته‌اند. پایین بودن عقلانیت در بین طبقه یک شاید به این دلیل باشد که آن‌ها اعتقاد به تقدیرگرایی داشته و کم‌تر براساس عقل و منطق تصمیم‌گیری می‌نمایند. به علت محدود بودن فرصت‌های آموزشی، سطح آگاهی و ادراک

آن‌ها نیز محدود شده است. چنان چه می‌بینیم فقر بخشی از زندگی این افراد به حساب آمده و معتقدند تا بوده همین طور بوده و تفاوت‌های طبقاتی در حوزه خودآگاهی آن‌ها نمی‌آید. هر کسی خودش را در آن جایگاهی که قرار دارد، ارزیابی می‌کند نه در آن جایگاهی که باید باشد، حتی اگر در شرایط سختی زندگی می‌کند سعی دارد آن را به گونه‌ای توجیه کند، چون گمان می‌کند تقدیر چنین است و او کاری نمی‌تواند انجام دهد. با توجه به میزان F به دست آمده (۲۱/۶۰) و ضریب معناداری (۰/۰۰۰) این نتیجه به کل جامعه آماری قابل تعمیم است.

جدول ۳- توزیع پاسخ‌گویان برحسب عقلانیت به تفکیک طبقه اجتماعی

طبقات		طبقه ۱		طبقه ۲		طبقه ۳		عقلانیت
تعداد	درصد طبقه	تعداد	درصد طبقه	تعداد	درصد طبقه	تعداد	درصد طبقه	
۸	۴/۹	۱۱	۲/۴	۰	۰	۱۹	۲/۷	بسیار پایین
۲۶	۱۶/۰	۶۷	۱۴/۷	۰	۰	۹۳	۱۳/۴	پایین
۵۶	۳۴/۶	۱۷۹	۳۹/۳	۱۱	۱۳/۹	۲۴۶	۳۵/۳	حد وسط
۶۴	۳۹/۵	۱۷۶	۳۸/۷	۶۲	۷۸/۵	۳۰۲	۴۳/۴	بالا
۸	۴/۹	۲۲	۴/۸	۶	۷/۶	۳۶	۵/۲	بسیار بالا
۱۶۲	۱۰۰	۴۵۵	۱۰۰	۷۹	۱۰۰	۶۹۶	۱۰۰	کل
۳/۲		۳/۳		۴		۳/۴		میانگین بر روی طیف پنج‌درجه‌ای

F = ۲۱/۶۰

sig = ۰/۰۰۰

میزان سرمایه اجتماعی

خلاصه و مهم‌ترین نتایج حاصل از اطلاعات ارائه شده در جدول (۴) درباره میزان سرمایه اجتماعی به تفکیک سه طبقه به شرح زیر است:

چنان چه در جدول ملاحظه می‌شود، میزان سرمایه اجتماعی بسیار بالا در بین پاسخ‌گویان طبقه سه اصلاً وجود ندارد و تنها ۲/۵ درصد از پاسخ‌گویان این طبقه دارای میزان بالایی از سرمایه اجتماعی هستند. در حالی که میزان سرمایه اجتماعی پایین و بسیار پایین

در بین ۴۱/۸ درصد از پاسخ‌گویان این طبقه و میزان حد متوسط آن در بین ۵۵/۷ درصد از آن‌ها وجود دارد.

در بین شهروندان طبقه دو جامعه، میزان سرمایه اجتماعی بالا و بسیار بالا در بین ۲۶/۴ درصد از پاسخ‌گویان و سطح سرمایه اجتماعی پایین و بسیار پایین در بین ۲۴/۲ درصد از آن‌ها وجود دارد. در حالی که حد وسط سرمایه اجتماعی بین ۴۹/۵ درصد از پاسخ‌گویان وجود دارد. همچنین در طبقه یک ۲۸/۶ درصد از پاسخ‌گویان دارای میزان سرمایه اجتماعی بالا و بسیار بالا و ۳۴ درصد از آن‌ها دارای سرمایه اجتماعی در سطح پایین و بسیار پایین و ۴۷/۵ درصد از پاسخ‌گویان در حد وسط از سرمایه اجتماعی هستند.

براساس میانگین‌های به دست آمده در می‌یابیم که میانگین سرمایه اجتماعی پاسخ‌گویان در طبقه دو، بر روی یک طیف پنج درجه‌ای با میزان ۳/۰ بالاتر از طبقه یک با میزان ۲/۸ و طبقه سه با میزان ۲/۶ قرار می‌گیرد. با توجه به میانگین سرمایه اجتماعی در بین کل پاسخ‌گویان (۲/۹) می‌توانیم بگوییم میانگین سرمایه اجتماعی در بین آن‌ها پایین به سمت متوسط می‌باشد. با توجه به میزان F (۱۰/۹۶) به دست آمده و ضریب معناداری (۰/۰۰۰) این نتیجه برای کل جامعه آماری قابل پیش‌بینی است.

جدول ۴- توزیع پاسخ‌گویان برحسب میزان سرمایه اجتماعی به تفکیک طبقه اجتماعی

طبقات		طبقه ۱		طبقه ۲		طبقه ۳		کل
تعداد	درصد طبقه	تعداد	درصد طبقه	تعداد	درصد طبقه	تعداد	درصد	
بسیار پایین	۴	۲/۵	۱۶	۳/۵	۱	۱/۳	۲۱	۳/۰
پایین	۵۱	۳/۵	۹۴	۲۰/۷	۳۲	۴۰/۵	۱۷۷	۲۵/۴
حد وسط	۷۷	۴۷/۵	۲۲۵	۴۹/۵	۴۴	۵۵/۷	۳۴۶	۴۹/۷
بالا	۲۷	۱۶/۷	۱۰۱	۲۲/۲	۲	۲/۵	۱۳۰	۱۸/۷
بسیار بالا	۳	۱/۹	۱۹	۴/۲	۰	۰	۲۲	۳/۲
کل	۱۶۲	۱۰۰	۴۵۵	۱۰۰	۷۹	۱۰۰	۶۹۶	۱۰۰
میانگین بر روی طیف پنج‌درجه‌ای	۲/۸	۳/۰	۲/۶	۲/۹				

F = ۱۰/۹۶ sig = ۰۰۰

مقایسه ابعاد سرمایه اجتماعی

قضاوت نهایی در مورد سرمایه اجتماعی با توجه به جدول (۵) در جامعه آماری مورد مطالعه آن است که میزان سرمایه اجتماعی در حد پایین به سمت متوسط است. اما شدت بعد اعتماد اجتماعی نسبت به ابعاد احساس تعلق و مشارکت بیش تر می باشد.

جدول ۵- توزیع پاسخ‌گویان برحسب شدت سرمایه اجتماعی در ابعاد سه‌گانه

ابعاد سرمایه اجتماعی	شدت ابعاد	بسیار بالا	حد وسط	پایین	بسیار پایین	اصلاً	میانگین میانه	انحراف معیار	جمع
اعتماد اجتماعی	تعداد	۱۶	۱۶۲	۳۴۹	۱۴۹	۲۰	۳	۰/۸۱	۶۹۶
	درصد	۲/۳	۲۳/۳	۵۰/۱	۲۱/۴	۲/۹	۳	—	۱۰۰
احساس تعلق	تعداد	۲۱	۱۰۲	۲۳۰	۲۱۸	۸۱	۴۴	۲/۴۷	۶۹۶
	درصد	۳/۰	۱۴/۷	۳۳/۰	۳۱/۳	۱۱/۶	۶/۳	۳	۱۰۰
مشارکت	تعداد	۴	۴۱	۲۲۷	۳۴۸	۷۵	۱	۲/۳۵	۶۹۶
	درصد	۰/۶	۵/۹	۳۲/۶	۵۰/۰	۱۰/۸	۰/۱	۲	۱۰۰
سرمایه اجتماعی در مجموع	تعداد	۲۲	۱۳۰	۳۴۶	۱۷۷	۲۱	۲/۹	۰/۸۳	۶۹۶
	درصد	۳/۲	۱۸/۷	۴۹/۷	۲۵/۴	۳/۰	—	۳/۰	۱۰۰

نتایج فرضیه‌های پژوهش

همان‌گونه که در جدول (۶) مشاهده می‌گردد، بین شاخص سرمایه اجتماعی با نابرابری‌های اجتماعی رابطه معنی‌دار و معکوسی وجود دارد. یعنی هر چه سرمایه اجتماعی در بین شهروندان افزایش یابد از میزان نابرابری‌های اجتماعی کاسته می‌شود. چنان‌چه از داده‌های این جدول به دست می‌آید میزان همبستگی شاخص سرمایه اجتماعی با نابرابری‌های اجتماعی برابر با $(r = -0/105++)$ می‌باشد.

جدول ۶- رابطه بین سرمایه اجتماعی و نابرابری اجتماعی

متغیر	میزان همبستگی (r)	معناداری (SIG)
نابرابری اجتماعی	-۰/۱۰۵	۰/۰۱

چنان چه در جدول (۷) مشاهده می‌گردد، شاخص ارضاء نیاز با نابرابری‌های اجتماعی رابطه معنی دار و معکوس دارد. یعنی هر چه میزان ارضاء نیاز در بین شهروندان افزایش یابد از میزان نابرابری اجتماعی کاسته می‌شود. چنان چه از داده‌های این جدول به دست می‌آید میزان همبستگی شاخص ارضاء نیاز با نابرابری اجتماعی برابر با $(r = -0/276++)$ می‌باشد. هم چنین مشاهده می‌شود، بین شاخص ارزش‌های مادی و نابرابری اجتماعی رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد. یعنی هر چه ارزش‌های مادی در بین شهروندان افزایش یابد بر نابرابری اجتماعی نیز افزوده می‌شود. داده‌های جدول نشان می‌دهد میزان همبستگی شاخص ارزش‌های مادی با نابرابری اجتماعی برابر $(r = 0/170++)$ می‌باشد.

داده‌های جدول نیز بیان‌گر آن است که شاخص عقلانیت با نابرابری اجتماعی رابطه معکوس دارد. یعنی هر چه میزان عقلانیت در بین شهروندان افزایش یابد از میزان نابرابری اجتماعی آن‌ها کاسته می‌شود. چنان چه از داده‌های این جدول به دست می‌آید، میزان همبستگی عقلانیت با نابرابری اجتماعی برابر $(r = -0/190++)$ می‌باشد. یکی از علل مهم نابرابری را باید در میزان آگاهی مردم جستجو نمود زیرا که با بالا رفتن میزان آگاهی مردم، درک آن‌ها از حقوقشان افزایش می‌یابد، بی‌عدالتی را نمی‌پذیرند و به انحاء مختلف برای دستیابی به حقوقشان می‌کوشند. از این طریق قشر متوسط گسترش و نقش آن‌ها در تصمیم‌گیری سیاسی افزایش می‌یابد در نتیجه در صورتی که سطح آگاهی و عقلانیت مردم بالا برده شود، نه فقط نابرابری می‌تواند کاهش یابد، بلکه حل برخی از مسائل دیگر جامعه، نظیر رفتارهای کورکورانه هنجاری نیز امکان‌پذیر می‌گردد.

جدول ۷- رابطه بین نابرابری اجتماعی و متغیرهای مؤثر بر آن

متغیرهای مؤثر بر نابرابری‌های اجتماعی	میزان همبستگی (r)	معناداری (SIG)
ارضای نیاز	-۰/۲۷۶	۰/۰۰۱
ارزش‌های مادی	۰/۱۷۰	۰/۰۰۱
عقلانیت	-۰/۱۹۰	۰/۰۰۱

تحلیل چندمتغیری داده‌ها (رگرسیون چندمتغیری)^۱

در قسمت‌های قبل، رابطه متغیرها و تأثیر عوامل مؤثر (متغیرهای مستقل) بر نابرابری اجتماعی (متغیر وابسته) به صورت دویبه دو مورد بررسی قرار گرفت. اما از آن جا که رابطه دویبه دوی عوامل بدون تأثیر عوامل دیگر در علوم اجتماعی و رفتاری به دلیل ماهیت موضوع آن‌ها که انسان و کنش‌های انسانی است امری تقریباً ناممکن است و اغلب متغیرهای مستقل متعددی وجود دارند که هر کدام از آن‌ها سهمی در پیش‌بینی متغیر وابسته دارند، در این قسمت به بررسی تأثیر عوامل مؤثر بر نابرابری اجتماعی توأمأ و یک جا می‌پردازیم. بنابراین با استفاده از رگرسیون چندمتغیری تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته بررسی خواهد شد. نتایج جدول رگرسیون (۸) نشان می‌دهد ضریب همبستگی چندگانه بین نابرابری اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن ۰/۷۶۱ می‌باشد. ضریب تعیین (R^2) مبین آن است که ۰/۶۱ از واریانس نابرابری اجتماعی توسط متغیرهای مستقل موجود در معادله رگرسیون جدول (۹) که در سطح معناداری قرار دارند، تبیین می‌شود. از بین متغیرهای موجود در جدول با توجه به سطح معناداری آماره t هر متغیر و میزان ضرایب بتا (β) به ترتیب؛ تجمل‌گرایی، سن، تحصیلات، عقلانیت، ارضاء نیاز در تبیین نابرابری اجتماعی مؤثرند. ۰/۳۹ (K^2) از واریانس باقیمانده توسط سایر متغیرها تبیین می‌شود.

1- multiple regression

جدول ۸- رگرسیون چندمتغیری برای تبیین نابرابری اجتماعی

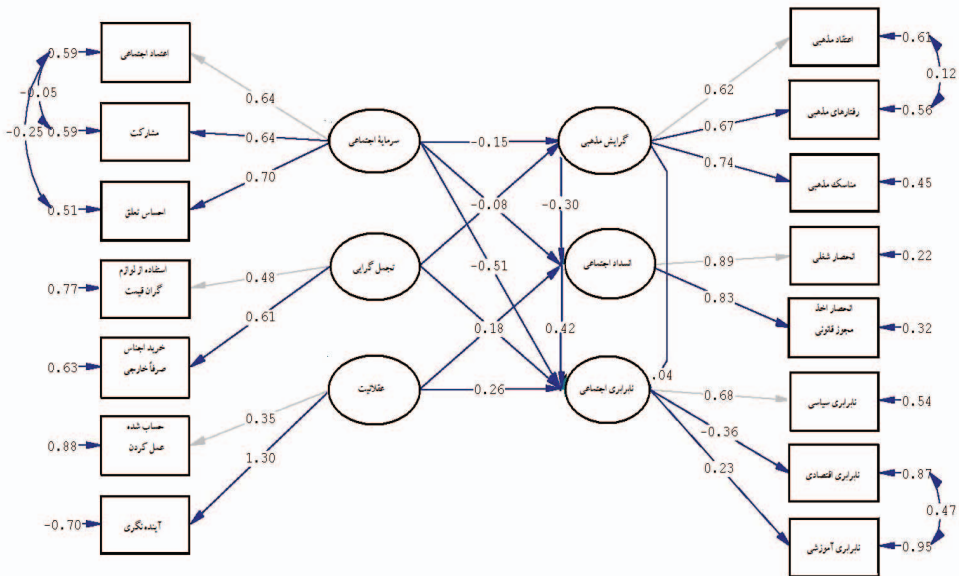
ضریب همبستگی چندگانه	Multiple R	ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین تعدیل شده $Adjusted K^2$	خطای استاندارد برآورد	F معادله	Sig F سطح معنی داری
۰/۷۶۱	۰/۷۶۱	۰/۶۱	۰/۶۰	۸۴۳/۳۷۲۴	۱۲۱/۸۶۱۵	۰/۰۰۰

جدول ۹- میزان ضرایب معادله رگرسیون چندمتغیری نابرابری اجتماعی

شاخص آماری زیر مؤلفه‌ها	ضرایب استاندارد β بتا	آماره t	سطح معناداری sig	تشخیص‌های هم خطی	
				Tolerance	VIF
(constant) عامل ثابت		-۵/۰۹۹	۰/۰۰۰		
سن	-۰/۲۴۴	۵/۸۲۴	۰/۰۰۰	۰/۶۶۱	۱/۴۹۱
تحصیلات	۰/۲۳۶	۶/۰۸۴	۰/۰۰۰	۰/۷۸۱	۱/۲۸۱
بعد خانوار	۰/۰۲۲	۰/۶۱۵	۰/۵۳۹	۰/۸۹۳	۱/۱۲۰
تعداد مسافرت‌ها	-۰/۰۱۱	-۰/۳۱۵	۰/۷۵۳	۰/۹۲۰	۱/۰۸۷
فردگرایی	۰/۰۳۴	-۰/۶۲۸	۰/۵۳۰	۰/۴۱۰	۲/۴۳۷
تجمل‌گرایی	۰/۲۴۶	۵/۷۶۳	۰/۰۰۰	۰/۶۴۶	۱/۵۴۸
انسداد اجتماعی	۰/۰۳۰	۰/۷۶۵	۰/۴۴۵	۰/۷۹۰	۱/۲۶۶
گرایش مذهبی	-۰/۰۳۲	-۰/۷۵۵	۰/۴۵۱	۰/۶۶۰	۱/۵۱۵
تبلیغات	-۰/۰۶۷	-۱/۸۱۱	۰/۰۷۱	۰/۸۶۶	۱/۱۵۵
عقلانیت	-۰/۱۸۴	۴/۴۲۲	۰/۰۰۰	۰/۶۶۹	۱/۴۷۳
اعتماد غیررسمی	۰/۰۸۶	۱/۶۱۴	۰/۱۰۷	۰/۴۱۱	۲/۴۳۵
اعتماد تعمیم‌یافته	۰/۰۴۵	۰/۸۴۲	۰/۴۰۰	۰/۴۱۴	۲/۴۱۵
مشارکت مدنی	۰/۰۶۳	-۱/۶۱۹	۰/۱۰۶	۰/۷۸۹	۱/۲۶۸
مشارکت اجتماعی	-۰/۰۰۵	-۰/۱۱۴	۰/۹۰۹	۰/۵۸۷	۱/۷۰۵
احساس تعلق	-۰/۰۲۹	-۰/۶۵۷	۰/۵۱۲	۰/۵۹۴	۱/۶۸۳
ارزش‌های مادی	۰/۰۳۴	۰/۷۵۶	۰/۴۵۰	۰/۵۷۰	۱/۷۵۴
ارضاء نیاز	۰/۱۵۷	۳/۸۹۰	۰/۰۰۰	۰/۷۲۵	۱/۳۷۹
اعتماد رسمی	-۰/۰۳۶	-۰/۵۶۴	۰/۵۷۳	۰/۲۸۶	۳/۴۹۸

الگوسازی معادلات ساختاری

در این قسمت به آزمون اعتبار سازه‌ای (وسیله اندازه‌گیری) و آزمون نیکویی برازش ساختار مورد نظر با استفاده از نرم افزار لیسرل با در اختیار داشتن داده‌های مربوط به متغیرهای برگرفته شده از فرضیه‌ها پرداخته شد (قاسمی، ۱۳۸۷) پس از اجرای برنامه و انجام تغییرات لازم، مدل برازش شده فرضیه‌ها و روابط عنوان شده در تحقیق به شرح زیر نمایان گردید.



Chi-Square=357.58, df=73, P-value=0.00000, RMSEA=0.075

مدل ساختاری نابرابری اجتماعی

مدل ساختاری نابرابری اجتماعی به آزمون اعتبار سازه‌ای و وسیله اندازه‌گیری نابرابری اجتماعی و آزمون نیکویی برازش ساختار آن پرداخته است. در بخش اندازه‌گیری هم چنان که از مدل

برمی آید بیش تر معرف های متغیرهای مکنون به طور نسبتاً مناسب روی آن ها بار شده اند و البته متغیرهایی که بار گویه پایینی داشته اند از معادله خارج شده اند. بخش ساختاری مدل نیز حاکی از آن است که متغیرهای سرمایه اجتماعی ($-/۵۱$) و انسداد اجتماعی ($/۴۲$) بیش ترین مقدار واریانس نابرابری اجتماعی را تبیین کرده اند.

شاخص های مدل، آزمون نیکویی برازش ساختار نظری مطرح شده با داده های مشاهده شده و اعتبار سازه ای وسیله اندازه گیری مورد بحث را نشان می دهد. از آن جا که معیارهای $GFI = /۹۴$ و $AGFI = /۸۹$ نزدیک به یک می باشند، حاکی از برازش نسبتاً زیاد مدل و معیار $RMSEA = /۰۷۵$ ، حاکی از عمل کرد ضعیف باقیمانده ها در مدل است. (البته از آن جا که آماره χ^2 کاملاً تحت تأثیر حجم نمونه مورد مطالعه می باشد و حجم نمونه در این تحقیق زیاد است، معناداری یا عدم معناداری χ^2 ملاک مناسبی برای قضاوت در مورد مدل نمی باشد). همان گونه که از ضرایب β مدل مشاهده می شود متغیر سرمایه اجتماعی بیش ترین تأثیر را بر متغیر نابرابری اجتماعی دارد ($\gamma = -/۵۱$)، یعنی هر چقدر سرمایه اجتماعی یک جامعه افزایش یابد از نابرابری اجتماعی در آن جامعه کاسته می شود. هم چنین هر چقدر میزان انسداد اجتماعی در جامعه زیاد شود بر نابرابری اجتماعی در آن جامعه افزوده می گردد ($\beta = /۴۲$).

خلاصه و نتیجه گیری

بر اساس اهداف تحقیق، دیدگاه های نظری و پیشینه تجربی و تأثیرگذاری عواملی نظیر سرمایه اجتماعی، انسداد اجتماعی، تجمل گرایی، ارزش های مادی، عقلانیت و گرایش های مذهبی و فردگرایی بر تعیین میزان نابرابری های اجتماعی افراد ارائه شد. تلاش پژوهش گر همواره بر این بوده است که کلیه مباحث نظری و تجربی تحقیق در راستای پاسخ گویی به سئوالات و دست یابی به اهداف تحقیق باشد و از ذکر مطالب حاشیه ای تا حد امکان خودداری گردد.

خلاصه و مهم‌ترین نتایج تجربی حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده در تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:

- اطلاعات به دست آمده در مجموع حاکی از متوسط بودن (۲/۹) سرمایه اجتماعی پاسخ‌گویان می‌باشد. با این حال می‌توان گفت شدت سرمایه اجتماعی در ابعاد اعتماد (اعتماد رسمی، غیررسمی، تعمیم‌یافته) نسبت به احساس تعلق و مشارکت (مدنی و اجتماعی) اندکی بالاتر است. به گونه‌ای که میزان اعتماد در بین پاسخ‌گویان در حد متوسط می‌باشد، و حال آن که میزان احساس تعلق و میزان مشارکت در بین آن‌ها در حد پایین قرار دارد. از این پیمایش چنین به دست می‌آید که شدت سرمایه اجتماعی بر تعیین میزان نابرابری‌های اجتماعی مؤثر است. از سه بعد مورد مطالعه سرمایه اجتماعی به ترتیب احساس تعلق، اعتماد اجتماعی و مشارکت دارای بیش‌ترین تأثیرگذاری بر نابرابری اجتماعی است. همچنین نتایج پژوهش بیان‌گر متوسط بودن (۲/۷) نابرابری اجتماعی در بین پاسخ‌گویان است.

از بررسی فرضیه‌ها چنین بر می‌آید که رابطه‌ای علی معکوس بین ارضاء نیاز به عنوان متغیر مستقل و نابرابری اجتماعی به عنوان متغیر وابسته وجود دارد، چنان‌چه نتایج پژوهش حاضر دیدگاه‌های هگل (۱۹۸۱) و گهلن (۱۹۶۴) را تأیید می‌کند. هگل و گهلن رابطه بین نیاز به احترام و نابرابری اجتماعی را همچون مازلو بررسی نمودند. نیاز به احترام، منزلت و عزت نفس موجب می‌شود که انسان‌ها از توهین و توبیخ ناراحت و از تشویق خوشحال شوند. آن‌ها معتقدند نیاز به احترام براساس مقیاس‌های ارزشی موجود در جامعه ارضاء می‌شود. لذا اگر ارزش‌های یک جامعه از جانب مادی به طرف معنوی تغییر کند، انسان‌ها برای کسب تأیید و احترام به آن سو می‌روند و اگر ارزش‌ها به سوی مادیات تغییر کند، به همان گونه انسان‌ها نیاز به احترام و تأیید خود را در کالاهای مادی و تجملات جستجو می‌نمایند. در این فرایند افرادی که دارای کالاهای مادی و امکانات بیش‌تری هستند در چنین جامعه‌ای از احترام بیش‌تری برخوردارند و فاقد این امکانات از

احترام کم‌تری برخوردارند و بدین گونه زمینه‌های نابرابری اجتماعی بین این دو قشر فراهم می‌شود.

و بین شاخص ارزش‌های مادی و نابرابری اجتماعی رابطه معنی‌دار و مستقیم وجود دارد. نتایج به دست آمده از تحقیق حاضر، نظرات لوآگلیا و هاوزر (۱۹۹۶) رادر این زمینه تأیید می‌کند، مثلاً وقتی از یک طرف مردم با ابزار مادی نظیر بالا بردن قیمت دلار و افزایش تورم، بالا بردن قیمت مدارس و... در فشار اقتصادی قرار گرفتند، و از طرف دیگر با انواع تبلیغات در آن‌ها نیازهای مادی به وجود آمد، پول و ثروت برای آن‌ها با ارزش می‌شود و همراه با آن نیز چنان که لوآگلیا و هاوزر نیز در آزمایش خود به دست آوردند. «درجه پایگاه» دارندگان این کالا، یعنی ثروتمندان با ارزش می‌شود که می‌توانند با پول گزاف خود، مردم محتاج و درمانده را به هر کاری وا دارند و نظام ارزشی آن‌ها را تحت تأثیر قرار دهند و نابرابری‌های اجتماعی را دامن بزنند. عقلانیت نیزیکی از متغیرهای تأثیرگذار بر میزان نابرابری اجتماعی پاسخ‌گویان است و رابطه آن معکوس می‌باشد، یعنی هرچه عقلانیت در بین شهروندان افزایش یابد میزان نابرابری اجتماعی کاهش می‌یابد. میزان عقلانیت در بین پاسخ‌گویان مطالعه تجربی حاضر، تأیید کننده نظریات (مولر ۱۹۹۵)، روشه مایرولپیست (۱۹۵۹) در این رابطه است و میزان عقلانیت را در کاهش و افزایش نابرابری‌های اجتماعی مؤثر می‌داند. این رابطه حاکی از آن است که هر چه میزان عقلانیت و آگاهی افراد بالا برود درک آن‌ها از حقوقشان نیز افزایش می‌یابد و در نتیجه مشارکت فزونی گرفته، دموکراسی به تبع آن گسترش می‌یابد و نقش آن‌ها در تصمیم‌گیری‌های سیاسی پررنگ‌تر می‌شود. در نتیجه قشر متوسط افزایش و نابرابری‌های اجتماعی کاهش پیدا می‌کند.

- براساس نتایج به دست آمده میزان انسداد اجتماعی، نابرابری سیاسی، عقلانیت و تجمل‌گرایی، اعتماد غیررسمی در بین پاسخ‌گویان طبقه سه بیش‌تر بوده است. در حالی که میزان مشارکت مدنی در بین پاسخ‌گویان این طبقه به صورت قابل ملاحظه‌ای کم‌تر از سایر

طبقات می‌باشد. بدیهی است مهیا بودن شرایط برای انسداد اجتماعی در بین آن‌ها (انحصاری نمودن امکانات برای خود)، همچنین حرص و ولع داشتن در مال‌اندوزی و تحکیم حس برتری‌خواهی، آن‌ها را به تجمل‌گرایی بیش‌تر سوق می‌دهد و در اثر فشارهای اقتصادی حاکم بر این طبقه که ناشی از نیازهای کاذب است مشارکت مدنی در بین آن‌ها کاهش می‌یابد. در بین پاسخ‌گویان طبقه دو، میزان احساس تعلق و مشارکت بیش‌تر از سایر طبقات می‌باشد و این درحالی است که میزان فردگرایی و ارزش‌های مادی در بین آن‌ها کم‌تر از سایر طبقات است. بنابراین هرچه میزان سرمایه اجتماعی بالاتر باشد از میزان فردگرایی کاسته شده و ارزش‌های فرامادی رواج بیش‌تری می‌یابد. هم‌چنین نتایج نشان‌دهنده آن است که میزان نابرابری اجتماعی، گرایش‌های مذهبی، تأثیرپذیری از تبلیغات در بین افراد طبقه یک بالاتر از سایر طبقات است. در صورتی که احساس تعلق، مشارکت اجتماعی و ارضاء نیاز در این طبقه در سطح پایین‌تری از سایر طبقات قرار دارد. عدم داشتن قدرت خرید، پایین بودن سطح آگاهی، گرایش‌های تقدیرگرایانه و سستی افراطی و تأثیرپذیری از تبلیغات؛ نابرابری اجتماعی را در آن‌ها افزایش و آن‌ها را در ارضاء نیاز خود با مشکل مواجه می‌کند.

با در نظر گرفتن یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان پیشنهادات زیر را مطرح نمود:

- ۱- تلاش مسئولان برای کاهش فقر و نابرابری اجتماعی
- ۲- تقویت سرمایه اجتماعی در چارچوب تقویت مشارکت، افزایش اعتماد، تقویت حس تعلق و فرهنگ شهروندی
- ۳- ایجاد زمینه‌های برابر برای ارضاء نیاز شهروندان
- ۴- کاهش تجمل‌گرایی در جامعه از طریق آگاهی و آرا نه الگوهای صحیح مصرف
- ۵- نظارت و هدایت صحیح رسانه‌های جمعی جهت کاهش اثر منفی تبلیغات
- ۶- توجه مسئولان به نقش مذهب در ایجاد ارزش‌های فرامادی در جامعه

- ۷- افزایش سطح عقلانیت و آگاهی افراد جامعه
- ۸- گسترش فرهنگ عام‌گرایی
- ۹- بسط ارزش‌های فرامادی
- ۱۰- تسهیل دسترسی افراد به منابع و فرصت‌ها جهت ایجاد عدالت و برابری

- ادیبی، ح. (۱۳۵۴). جامعه‌شناسی طبقات. تهران: انتشارات دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- انصاری، ا. (۱۳۷۸). نظریه‌های قشربندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران. اصفهان: نشر غزل.
- برادران شرکاء، ح. (۱۳۸۴). رانت نفتی. روزنامه ایران، سال یازدهم، شماره ۳۲۶۸.
- بیرو، آ. (۱۳۸۰). فرهنگ علوم اجتماعی. (ترجمه ساروخانی). تهران: سازمان انتشارات کیهان.
- تاجبخش، ک. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی (ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان). شیراز.
- توسلی، غ. (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی. تهران: انتشارات لیلی.
- چلبی، م. (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی نظم. تهران: نشر نی.
- چلبی و اکبری، (۱۳۸۳). تحلیل چندسطحی انزوا. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره پنجم، شماره ۲.
- دورکیم، ا. (۱۳۶۹). تقسیم کار اجتماعی (ترجمه باقر پرهام). تهران: کتاب سرای بابل.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۷۲). سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی. پژوهشی در سه استان اصفهان.
- ربانی، ر. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
- زاهدی، م. (۱۳۸۵). توسعه و نابرابری. تهران: نشر مازیار، چاپ دوم.
- فوکویاما، ف. (۱۳۷۹). پایان نظم سرمایه اجتماعی و حفظ آن (ترجمه غلامعباس توسلی). تهران: جامعه ایرانیان.
- قاسمی، و. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر الگوسازی و معادلات ساختاری. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

- قانع‌راد، م و حسینی، ف. (۱۳۸۴). ارزش‌ها، شبکه روابط، مشارکت. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۳.
- کلمن، ج. (۱۳۷۷). بنیادهای نظریه اجتماعی (برگردان منوچهر صبوری). تهران: نشر نی.
- گرب، ا. (۱۳۷۳). نابرابری اجتماعی دیدگاه‌های نظریه‌پردازان کلاسیک و معاصر (مترجمان: محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی‌زاد). تهران: نشر معاصر.
- گیدنز، آ. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی (ترجمه منوچهر صبوری). تهران: انتشارات نی.
- ملک، ح. (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابری‌های اجتماعی. دانشگاه پیام نور.
- معین، م. (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی. تهران: مؤسسه انتشارات کبیر.
- مهاجری، ب. (۱۳۸۴). رؤیای طبقه فرودست. روزنامه ایران. سال دوازدهم، شماره ۳۴۱۸.
- نامه فرهنگ. (۱۳۷۱). منشأ نابرابری اجتماعی (ترجمه ح. قاضیان). شماره ۳ سال ۲.
- وبر، م. (۱۳۶۷). مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی (ترجمه احمد صدارتی). تهران: نشر مرکز.
- هادی زنور، ب. (۱۳۸۵). فقر و نابرابری درآمد در ایران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷.
- Australian Bureau of statistics. (2003). **ABS draft social capital indicators for discussion at workshop**, Wednesday 4 june.
- Burt, R(2000). **A primer on crime and Delinquency Theory second Edition**, wads worth.
- Dekker, p and Ericm, u (2001). **Social capital and participation in every life**.
- Firebaugh, G (2003). **The New Geography of Global Income Inequality**. Cambridge&London: HarvardUniversity Press.
- Huntington.S.p & y. m.Nelson. (1976). No **Easy choice political participation**.

- Loury G.(1985.(New dividends through **social capital** .Black Enterprise.
- Huntington, S. P. & J. M. Nelson, (1976). No Easy Choice; **Political participation in Developing countries**, Cambridge: Harvard uni. press.
- Putnam. R. D. (1995). Bowling alone: **American's decline social capital an interview with putname**. pp. 65-78.
- Putnam. R. D(2000). **Bowling Alone the collapse and Review of American community**. Simon and Schuster, New York.
- Robbins, S. P(2001). "Organizational Behavior", New Dehli. Prentice Hall, Inc- Tilly, Chris and Randy Albelda (1995), 'Not Markets Alone: Enriching the Discussion of Income Distribution,' in Robert Heilbronn and Charles Whalen, Eds., **Political Economy For the Next Century**, M. E. Sharpe, Armonk, NY.

